

معنویت عاشورایی در آموزه‌های حسینی

(مبانی، شرایط و کارکردها)

دکتر محمد جواد رودگر^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۰۲

چکیده

معنویت عاشورایی، آن‌گاه که در منظومه معرفتی و دستگاه معارفی - رفتاری ابوالفضل العباس (علیه السلام) معنا شده و مبنا یابد، دارای مراتب تشکیکی و ساحات (ابعاد عرضی) و سطوح (اعماق طولی) فراوانی خواهد بود. در سلوک معنوی متقوم بر آموزه‌های حسینی دانایی و دارایی پایه توانایی، علم صائب و اخلاق صادق مبنای عمل صالح، سلوک فردی و اجتماعی عامل جامعیت کنشی، با مبانی معرفتی - توحیدی، عبودیتی - حبی و با شروطی چون پیراستگی از رذایل و آراستگی به فضایل، قلب سلیم و پارسایی سلوکی تحقق یابنده‌اند. در هندسه معنویت عاشورایی غیر از مبانی و شروط به کارکردهای آن نیز اشاره شده است.

در نوشتار حاضر، به پرسش «معنویت عاشورایی در آموزه‌های حسینی دارای چه معنا، مبنا، شروط و کارکردهایی است» پاسخ داده شده است و فرضیه کمال و جامعیت معنویت در منظومه

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

معرفتی امام حسین علیه السلام به عنوان مصباح هدایت و کشتی نجات
 تبیین می‌شود.
کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، معنویت عاشورایی، توحیدی -
 عبودی، جهادی بودن، آرامش و آسایش، اجتماعی بودن.

مقدمه

معنویت در فضای فرهنگ و حیانی و جغرافیای معارف اسلامی، مفهومی مقوم به نام «غیب» دارد که موطن حیات معنوی را عالم باطن و جهان غیب و غیب جهان قرار می‌دهد؛ غیب و باطنی که به شهادت و ظاهر احاطه داشته و غیب در شهادت و باطن در ظاهر جلوه‌گری دارد؛ یعنی معنویتی ایده الیستی، اتوپییایی یا انتزعی و آسمانی محض نیست، بلکه معنویتی است که متناظر به واقعیت، انضمامی و عینیت یابنده در زمین خواهد بود. بدین سان معنویت از سه ضلع اعتقاد راسخ به خدا، ارتباط مستمر با خدا و عمل و کنشگری‌های خدا باورانه برخوردار است که این معنویت بر دو پایه درونی (۱). فطرت، ۲. عقل که ترابط دیالکتیکی دارند) و بیرونی (۱). شریعت، ۲. نبوت و امامت که نقشه راه معنویت همه جانبه را تبیین و ترسیم می‌کنند) استوار است. در معنویت عاشورایی «حق و تکلیف» به صورت نظام یافته حضور بالفعل و فعال دارند تا معنویت پویا و پایا، ناظر به حق الله، حق النفس و حق الناس تجلی یابند.^۱

در معنویت عاشورایی سالک و رونده، گاه در عالم ظاهر سفر می‌کند و از مکانی که نقطه مبدأ است طی مسیر و مسافت می‌کند و منازل بین راه را یکی پس از دیگری

۱. معنویت عاشورایی مبتنی بر حقوق و تکالیف است. حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرماید: از عجایب امور است و ما هرگز در هیچ کسی این مطلب را سراغ نداریم؛ حتی مثل این مطلب را از خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم - که افضل است و این [قضیه کربلا] هم از مصائب اوست - سراغ نداریم؛ این که چهار فرسخ را از صاحبانش بخرد و نقداً وجه را بپردازد، به شرط این که تا سه روز، زوار او را پذیرایی نکنند. آقای می‌گوید: در طایفه ما سندش مانده است که به خط کوفی است. ظاهراً به بنده هم داده، قاعدتاً بنده هم داشته باشم. به خط کوفی است، ما نمی‌توانیم چیزی از آن استفاده کنیم. بالأخره، چه عرض بکنیم؟! آیا در عالم چنین چیزی سراغ داریم که همیشه، همیشه، زوار کسی تا سه روز حق داشته باشند همان باشند و زیارت بکنند؟! از عجایب است این مطلب (بهجت، ۱۳۹۴: ۵۲)

درمی نوردد و به مقصد که مکان خاصی است می رسد و گاه رونده در عالم باطن و از مکانتی به مکانت برتر سیر می کند و سالک در حرکت سلوکی خود، به معرفت نیاز دارد تا به انحراف کشیده نشود؛ زیرا انسان در هر حرکتی محتاج معرفت است؛ چنان که امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به کمیل فرمود:

يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ... (نوری، ۱۴۰۸: ۲۶۷)

همچنین از نقش نگین اباعبدالله الحسین علیه السلام یعنی «اذا علمت فاعمل» (مفید، ۱۴۱۳: ۵۸/۱) نیز دست کم دو نکته قابل درک و دریافت است: ۱. تا علم و دانایی به چیزی حاصل نشود، نوبت به توانایی و عمل نمی رسد؛ ۲. هرگاه علم و معرفت یافتی، در عمل بدان اقدام کن؛ همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا وَ يَقِينَكُمْ شَكًّا إِذَا عَلِمْتُمْ فَاعْمَلُوا وَإِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدِمُوا؛ (شریف رضی، ۱۴۱۳: حکمت ۲۷۴)

علم خود را نادانی و یقین خود را شک مپندارید. پس هرگاه دانستید عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید.

یا با تأکید بر اهمیت عمل و لزوم استمرار در آن فرمود:

الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ، وَالِاسْتِقَامَةُ الْاسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَالْوَرَعُ، إِنَّ لَكُمْ نَهْيَةً فَانْتَهَوْا إِلَى نَهَائِكُمْ؛ (همو: خطبه ۱۶)

کار کنید و آن را به پایانش رسانید و در آن پایداری کنید؛ آن گاه شکیبایی ورزید و پارسا باشید. همانا شما را پایانی است؛ پس خود را به آن پایان رسانید.

لذا دانایی باید به دارایی و علم به عمل تبدیل گردد و در سلوک الی الله علم به سلوک، مسلک، مسلک الیه لازم است و در معنویت عاشورایی هدف از سیر و سلوک، خدایی شدن، خداخویی یا خداگونه شدن، به تعبیر قرآن کریم رنگ خدایی یافتن و خدایی گشتن است.^۱ استاد جوادی آملی می گوید:

سیر و سلوک عبد به سوی خدا، سیری عمودی است، نه افقی و منظور از

۱. «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً». (بقره / ۱۳۸)

«عمودی» در این جا، عمودی در هندسه الهی است، نه در هندسه طبیعی؛ یعنی به «مکانت برتر» راه یافتن است، نه به «مکان برتر» رفتن. از این روزاد و توشه‌ای طلب می‌کند تا انسان را در سیر به مکانت برتر کمک کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۵۴)

اکنون با عنایت به اباحت یادشده، به بیان و تبیین برخی مبانی و اصول، لوازم و شروط، راهبرد و راهکار و کارکردهای سلوک معنوی در آموزه‌های حسینی می‌پردازیم.

۱. مبانی سلوک معنوی

بدون تردید معنویت عاشورایی بر یک سلسله مبانی و اصولی استوار است که به برخی از آنها در این مقام و مقوله با روش حدیث محوران (احادیث امام حسین علیه السلام) اشاره می‌کنیم:

۱-۱. معرفت خدا

معنویت عاشورایی بن‌مایه معرفت به خدا از رهگذر اطاعت از امام دارد؛ همان‌طور که امام حسین علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَةَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَحِبُّ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ؛ (صدوق، ۱۳۸۵: ۹)

ای مردم! همانا خدای بزرگ بندگان را نیافریده، مگر برای آن که او را بشناسند. وقتی او را شناختند او را پرستش خواهند کرد. هنگامی که او را پرستش کردند از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شوند. مردی گفت: ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت باد! شناخت خدا چیست؟ فرمود: عبارت است از شناخت مردم هر زمان از امامشان؛ آن امامی که اطاعت او بر آنها واجب است.

زیرا معرفت‌الله در ظل و ذیل معرفت به امام - که انسان کامل و خلیفه‌الله و آئینه‌دار جمال و جلال الهی است - ممکن خواهد بود و حسین بن علی علیه السلام در حقیقت پیوند



وجودی «خدا» و «امام» را برای سالکان کوی معنویت صائب و صادق روشن ساخت و روح حاکم بر این سخن سدید، این است که سلوک الی الله منهای «امام» امکان ناپذیر است؛^۱ چنان که امام در آغاز قیام خویش فرمود:

مَنْ كَانَ بَاذِلًا فَيَنَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَزْحَلْ مَعَنَا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۶/۴۴)

در همین فراز کوتاه، چهار شرط همراهی با کاروان عاشورا ذکر شده است: شرط اول. از جان گذاشتن و جان دادن در رکاب سیدالشهدا علیه السلام «غرامت» نیست، بلکه «غنیمت» است.

شرط دوم. آمادگی لقاء.

شرط سوم. کوچ از دنیا «فَلْيَزْحَلْ». کوچ به معنای مسافرت نیست. «مسافر» غیر از «راحل» است. وطن مسافر در پشت سرش قرار دارد؛ می رود و برمی گردد! اما راحل آن کسی است که دل از وطن شست و وطنش پیش روی اوست؛ لذا به فکر برگشتن نیست. پس او باید از دنیا کوچ کند و دیگر دنیا را وطنش قرار ندهد و هرگز قصد برگشت نداشته باشد. شرط چهارم. همراهی با امام، همراهی متافیزیکی و بینشی، انگیزشی، گرایش، کنشی و روشی. این شرط، «روح و حقیقت» شروط دیگر است: فَلْيَزْحَلْ «مَعَنَا»؛ باید خودش را به امام برساند. در سفر الی الله راهی به سوی خدا نیست، مگر با امام. از راه امام و همراه با امام باید به خدا و مقام توحید رسید، و لا غیر.

۱-۲. محبت خدا

در معنویت عاشورایی حب به خدا و عشق الهی حاکمیت دارد. انسان معنوی در معنویت عاشورایی به تدریج به حرکت حبی برگرد امام خویش و نوشیدن شراب ظهور شهادت نایل می شود. در این معنویت حب محورانه غیر خدا رخت برمی بندد و دل که

۱. از امام باقر علیه السلام نیز چنین وارد شده است: «بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَبِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَبِنَا وَجِدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (کلینی، ۱۴۰۱: ح ۱۰)؛ به وسیله ما خدا بندگی می شود. و به وسیله ما خدا شناخته می شود. و به وسیله ما توحید خداوند متعال تحقق می یابد. و حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حجاب خدای متعال است.»

عرش خداست، محل تجلی جمال و جلال الهی می شود؛ چنان که امام حسین علیه السلام فرمود:

أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتِ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ
فَقَدَكَ؟! وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟! لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا. (همو: ۹۸/
۲۲۶)

این تویی که اغیار را از دل های دوستانت زدودی تا آن که جز تورا دوست
نداشتند... آن که تورا از دست داد، چه به دست آورد؟ و آن که تورا یافت، چه از
دست داد؟ آن که جز تورا به جای تو پذیرفت، زیان کرد.

در سلوک معنوی، حب الله کارسازترین عنصر سلوکی است که اغیار را از حرم دل و
حریم وجودی سالک دور ساخته و آتش محبت به خدا غیر خدا را سوزانده و خاکستر کرده
و به باد فنا می دهد تا سالک عارف به محبوب باقی و جاودانه واصل گردد.

۳-۱. توحید صمدی - عبودیت الهی

گفتمان مسلط بر معنویت عاشورایی، گفتمان توحیدی - عبودی است. در این باره
امام حسین علیه السلام در تفسیر «صمد» فرمود:

الصَّمَدُ: الَّذِي لَا جُوفَ لَهُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي قَدِ انْتَهَى سُودُودُهُ، وَالصَّمَدُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ
وَلَا يَشْرَبُ، وَالصَّمَدُ: الَّذِي لَا يَنَامُ، وَالصَّمَدُ: الدَّائِمُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ؛ (صدوق،
۱۳۹۸: ۹۰/ح ۳)

صمد، کسی است که میان تهی [فاقد کمالات وجودی] نیست؛ صمد کسی
است که سروری و مهتری اش در اوج است؛ صمد کسی است که نه می خورد و نه
می آشامد؛ صمد کسی است که نمی خوابد؛ صمد آن مانایی است که پیوسته
بوده و خواهد بود.

یا در ابدی بودن خدای متعال فرمود:

إِنَّ سُكَّانَ السَّمَوَاتِ يَفْنُونَ وَأَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَجَمِيعَ الْبَرِيَّةِ لَا يَبْقُونَ وَكُلُّ شَيْءٍ ۖ
هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ؛ (اصفهانی، ۱۴۲۸: ۱۱۲)

آسمانیان فانی می شوند و زمینیان می میرند و همه آنها ناپایدارند و همه چیز از
بین رفتنی است، جز خدا.

توحید وجودی و شهودی غایت سلوک سالکان معنوی و نهایت آرزوی عارفان ربانی است. امام حسین علیه السلام فرمود:

إلهی تَرَدُّدُنِي الْآثَارُ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ؟! أَيْكُونُ لِعَبِيرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ؟! متى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يُدُلُّ عَلَيْكَ؟! ... بِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸/۲۲۵)

بارخدا یا! سرگرم شدنم به آثار و نشانه ها، موجب دوری زیارتگاه (دیدار خدا) می شود. پس تمام قوای مرا متوجه کاری کن که من را به تو برساند. چیزی که خود در هستی اش نیازمند توست، چگونه تواند دلیل و رهنمای بر تو باشد؟! آیا جز تورا ظهوری است که تورا نیست تا این که آنان آشکارکننده تو باشند؟! کی غایب بوده ای تا نیاز داشته باشی [راهنمایی] به جایگاه تو راهنمایی کند؟! ... به واسطه توست که ره به تومی برم؛ پس با نور خود مرا به سویت رهنمون شو.

نتیجه منطقی معرفت توحیدی و توحید صمدی، خشیت و خوف عقلی و قلبی در برابر خداست. امام علیه السلام فرمود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ؛ (همو: ۹۸/۲۱۸)

بارخدا یا! کاری کن که از تو چنان بترسم که گویی می بینمت، و با تقوا و ترس از خودت خوشبختم گردان، و با معصیت و نافرمانی ات شوربختم مکن.

توحید صمدی در توحید اجتماعی نقش و کاربست فراوانی دارد و امام حسین علیه السلام در زمینه عبودیت مبتنی بر محبت به خدای سبحان فرمود:

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛ (همو: ۷۸/۱۱۷)

گروهی خدا را با علاقه [به پاداش] پرستش می کنند؛ این عبادت تاجران است. گروهی خدا را از روی ترس عبادت می کنند؛ این پرستش بردگان است. و گروهی خدا را به خاطر سپاس گزاری و تشکر از او پرستش می کنند؛ این عبادت آزاد مردان

است و آن بهترین عبادت است.

این نوع عبادت و عبودیت، انسان معنوی را عبد الله و عند الله می‌کند و همه آمال و مقاصدش برآورده خواهد شد؛ همان‌گونه که امام حسین علیه السلام فرمود:

مَنْ عَبَدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَكَفَايَتِهِ؛ (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۷۴۸، ح ۹۰۶)

کسی که خدا را آن‌طور که شایسته اوست عبادت کند، خداوند بیش از آن چه آرزو و کفایت اوست به او می‌دهد.

۱-۴. ولایت داشتن و ولی خدا شدن

در معنویت عاشورایی که توحیدی - عبودی و مبتنی بر حب به خداست، انسان معنوی به مقام ولایت الهی دست یافته و ولی الله می‌گردد؛ بدین معنا که او عالم و آدم را تحت ولایت حق دیده و به قرب وجودی با او دست یافته و توحید و ولایت را یک جا در متن حیات طیبه اش متجلی ساخته است؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام فرمود:

مَنْ عَرَفَ حَقَّ أَبِيهِ الْأَفْضَلَيْنِ: مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَأَطَاعَهُمَا حَقَّ طَاعَتِهِ، قِيلَ لَهُ: تَبْحِجْ فِي أَيِّ جَنَانٍ شِئْتَ؛ (همان: ۵۹۰ / ح ۵۸۹)

کسی که حق دو پدربزرگ [از پدربزرگ طبیعی] خود، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را بشناسد و آنها را آن‌طور که شایسته است اطاعت کند، به او گفته می‌شود در هر جای بهشت که دوست داری فرود آی و جای بگیر.

یا فرمود:

مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلَّهِ، جِئْنَا نَحْنُ وَهُوَ كَهَاتَيْنِ - وَقَدَّرَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ - وَمَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا، فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسَعَّ عَدْلُهُ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷ / ۹۰)

کسی که ما را تنها به خاطر خدا دوست بدارد، ما و او مثل این دو (اشاره به دو انگشت) می‌آییم. و کسی که ما را به خاطر دنیا هم دوست داشته باشد [باز مفید است؛ زیرا] هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند، عدالت او شامل خوب و بد می‌شود.



یا امام در تفسیر مودت به قربی، مضمون رابطه سالک را بسیار عالی بیان فرمودند:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، إِنَّ الْقَرَابَةَ
الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِصَلَاتِهَا وَعَظَّمَ مِنْ حَيْثُهَا وَجَعَلَ الْحَيْرَ فِيهَا قَرَابَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ
أَوْجَبَ [اللَّهُ] حَقَّنَا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۳۱)

درباره آیه شریفه «بگو، من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم مگر دوست داشتن خویشاوندانم»، آن خویشاوندی که خداوند به صله [ونگه داشت پیوند آن] فرمان داده و آن را حقی بزرگ داشته و خیر و خوبی را در آن قرار داده، خویشاوندی ما اهل بیت است که خداوند حق ما را بر هر مسلمانی واجب ساخته است.

همان طور که در نسبت شناسی محب امام در حب به اهل بیت عصمت و طهارت

برای خدا به خودشان را از زبان رسول خدا ﷺ چنین تبیین فرمود:

مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَدْنَا نَحْنُ وَهُوَ عَلَى نَبِيِّنَا ﷺ هَكَذَا - وَصَمَّ إِبْصَعِيهِ - وَمَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا
فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسْعُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ؛ (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۳، ۴۵۵)

هر کس ما را به خاطر خدا دوست بدارد، من و او این چنین (حضرت دو انگشت خود را به هم چسباند) بر پیامبرمان ﷺ وارد خواهیم شد و هر کس ما را به خاطر دنیا دوست بدارد [بداند که] دنیا، نیکوکار و بدکار را در بر می گیرد.

۱-۵. فقر و جودی

یکی از بنیادهای سلوک معنوی در معنویت عاشورایی، فقرشناسی و فقریابی و جودی است. سالک باید با معرفتی که به خدا دارد و عرفان به نفسی که خواهد یافت، مقوله فقر انفسی را با تمام وجودش تجربه کند و مالک مطلق را خدا یافته و او را عالم و قادر مطلق نیز بیابد تا با شناخت شهودی علم، قدرت و مالکیت مطلقه حق تعالی توانایی سلوک در نیل به مقامات معنوی و فتوحات غیبی را داشته باشد. او باید به مقام «هیچ بودن»، «نداری محض» و «نیاز صرف» خود دست یابد؛ همان طوری که امام حسین علیه السلام در دعای عرفه فرمود:

إِلٰهِ أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸ / ۲۲۵)

خدایا! من در حال بی‌نیازی نیازمندم؛ پس چگونه در حال فقر نیازمند [تو] نباشم؟

چقدر این عبارت نغز و پرمغز است و اشارت به حقایق وجودی و دقایق باطنی انسان دارد که سالک با فقر نفسی نه نسبی اش زندگی کرده و هیچ کمالی را به خود نسبت ندهد و در تمامی مراحل سلوکی و منازل معنوی موحدانه سلوک نماید.

۲. شروط سلوک معنوی

معنویت عاشورایی بر اساس آموزه‌های حسینی دارای شروطی است که سالک اهل معنا بایسته است بدان‌ها التزام علمی و عملی داشته باشد که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۲-۱. آراستگی به مکارم اخلاقی

آراستگی به مکارم اخلاقی مقدمه وجوبی و وجودی سلوک معنوی است. امام حسین علیه السلام فرمود:

الْمَكَارِمُ عَشْرٌ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ، فَإِنَّهَا تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فِي وَلَدِهِ، وَتَكُونُ فِي الْوَلَدِ وَلَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ، وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي الْحُرِّ قَيْلٌ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: صِدْقُ الْبِئْسِ [الْبِئْسُ]، وَصِدْقُ اللِّسَانِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَإِقْرَاءُ الصَّيْفِ، وَإِطْعَامُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ، وَالتَّدْمُّمُ لِلْجَارِ، وَالتَّدْمُّمُ لِلصَّاحِبِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ؛ (کلینی، ۱۴۰۱: ۲ / ۵۵، ۱)

کرامت‌ها [ی اخلاقی] ده تاست؛ اگر توانستی آنها را در خود فراهم آوری، چنان کن. این خصلت‌ها ممکن است در مرد باشد و در فرزندش نباشد، یا در فرزند باشد و در پدرش نباشد، یا در برده باشد و در شخص آزاد نباشد. گفته شد: این خصلت‌ها کدام‌اند؟ فرمود پایمردی در نبرد، راست‌گفتاری، امانت‌داری، صلح، رجم، مهمان‌نوازی، اطعام فقیر، جبران نیکی‌ها، رعایت حقوق همسایه و دفع ضرر از رفیق؛ و برترین آنها حیا است.

یا فرمود:



حَسُّ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ، لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتِعٍ: الْعَقْلُ، وَالذِّينُ وَالْأَدَبُ، وَالْحَيَاءُ،
وَحُسْنُ الْخُلُقِ؛ (شریف قرشی، بی تا: ۱/ ۱۸۱)

پنج چیز است اگر در انسان نباشد، در او بهره زیادی نخواهد بود: عقل،
دین، ادب، حیا و خوش اخلاقی.

چنان که روشن است سالک تا به کمالات و کرامات اخلاقی متصف نگردد، قدرت بر
سلوک الی الله را نخواهد داشت. به بیان دیگر، سلوک اخلاقی مقدمه و مقدم بر سلوک
عرفانی است. مگر می شود که سالک آلوده به رذایل بوده و پالوده از آنها نباشد و در عین
حال اهل سلوک معنوی باشد؟! در معنویت عاشورایی ادب مع الله و عند الله با حیا و
راست گفتاری و راست کرداری و استقامت ورزی در راه هدف های معنوی ممکن خواهد
بود که در مکارم و اوصاف بیان شده امام حسین علیه السلام آنها را به خوبی می توان مشاهده کرد.
پس لازمه حرکت نوری نورانی شدن، نورانی بودن و نورانی ماندن به فضایل و مکارم
اخلاقی است.

۲-۲. قلب سلیم داشتن

قلب سلیم سرمایه اصلی و شرط زیرساختی معنویت عاشورایی است. قلب سلیم
قلبی آزاد از غیر خدا و رهاسده از همه تعلقات و تعینات است.

مردی به امام حسین علیه السلام گفت: ای فرزند رسول خدا! من از شیعیان شمایم. امام
حسین علیه السلام فرمود:

اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَدْعِ عَيْنَ شَيْئًا يَقُولُ اللَّهُ لَكَ كَذِبَتْ وَفَجَزَتْ فِي دَعْوَاكَ، إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ
سَلَمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَغَلٍّ وَدَغَلٍ، وَلَكِنْ قُلْنَا مِنْ مَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّكُمْ؛
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۱۵۶)

فرمود: از خدا بترس! چیزی را ادعا نکن که خدا بگویدت دروغ گفتی و ادعای
گزافی کردی. شیعیان ما کسانی اند که دل هایشان از هر نوع غلّ و غشّ و دغلکاری
پاک باشد، ولی تو بگو: من از دوستان و علاقه مندان شمایم.

انسان معنوی کسی است که قلبش صاف از هر پلیدی و زلال از هر کدورت و منزّه از هر
رذالتی است که در حقیقت با سلب رذایل از خود به ایجاد فضایل در خود پرداخته و با

این سلوک سلبی و ایجابی که می‌توان آن را با مقام تخلیه (پاکسازی درون از هر ظلمت و ضلالت اخلاقی) و تخلیه (متحلی به اخلاق فاضله گشتن و زیبایی‌های اخلاقی را در خود متجلی ساختن) بر محور تجلیه (التزام عملی به شریعت حقه محمدیه ﷺ برای خالص شدن و سلیم گشتن) معنا کرد، از معنویت عاشورایی برخوردار خواهد شد.

۲-۳. پارسایی

یکی از شروط معنویت عاشورایی اتصاف به تقوای الهی و پارسایی است. تقوا یعنی خودنگهداری و صیانت نفس از ورود به محرمات و خروج از واجبات الهی تا رستن از مکروهات و مباحات و رسیدن به مستحبات حاصل گردد. به عبارت دیگر، عبور نکردن از خط قرمزهای شریعت (ساحت سلبی سلوک معنوی) و حرکت در صراط مستقیم فطرت (ساحت ایجابی سلوک معنوی) که عامل گرایش به آمال الهی و گریز از امیال نفسانی است حقیقت و جانمایه معنویت عاشورایی است. امام حسین علیه السلام در این باره فرمود:

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنِ اتَّقَاهُ أَنْ يُحَوِّلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَىٰ مَا يُحِبُّ
وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ (بحرانی، ۱۳۸۵: ۱۷۰)

شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ زیرا خدا ضمانت داده کسی را که تقوای الهی پیشه سازد، از آن چه ناخوش می‌دارد، به آن چه خوش می‌دارد انتقال دهد و از جایی که گمان نمی‌برد، روزی اش دهد.

البته تقوا مراتبی چون تقوای عام و خاص و اخص دارد و متناظر به مراتب سلوک سالکان الی الله است و تقوای هر مرتبه معنوی با تقوای مرتبه دیگر آن متفاوت است. در واقع «تقوا» مخ و مغزای سلوک معنوی در همه مراتب و مقامات خواهد بود.

۲-۴. طالب رضای خدا بودن

در معنویت عاشورایی، اصالت از آن تحصیل و حصول رضایت حق تعالی است. در سلوک معنوی حسینی، ترجیح رضای خلق بر رضای حق عین هبوط و سقوط است. در این سلوک همه چیز با جهت‌گیری «رضوان الله»، «ابتغای مرضات الله» و نیل به مقام

«نفس راضیه و مرضیه»^۱ خواهد بود.

امام حسین علیه السلام که مصداق باهرو بارز آیات انتهایی سوره فجر است و در اوج عاشورا و در قتلگاه، لحظه عروج تا لقاء الله فرمود: «الهی رضاً برضاک» در این زمینه می فرماید:

لَا أَفْلَحَ قَوْمٍ اشْتَرَوْا مَرَضَةَ الْمُخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ؛ (خوارزمی، ۱۴۲۳: ۱/ ۲۳۹)

ملتّی که خشنودی مردم را با خشم خدا معامله کند، هرگز رستگار نخواهد شد.

بنابراین سلوک برای غیر خدا در آموزه های حسینی دارای مبنا و معنا نیست و چه

دقیق و عمیق فرمود:

مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ؛ (صدوق، ۱۳۹۲: ۲۶۸)

هرکس با خشم خدا، خواهان خشنودی مردم باشد، خداوند او را به مردم وامی گذارد.

زیرا کسانی که سلوک برای خلق و دکانداری و امور غیر خدایی می کنند که البته سلوک معنوی نیست، در واقع خدای سبحان آنان را به همان خلق واگذار می کند و سلوکشان ابتر و بی ثمر خواهد بود و در نتیجه خسران دنیا و آخرت شامل حالشان خواهد شد.

۲-۵. نیایشگری

در سلوک معنوی مبتنی بر آموزه های حسینی نیایشگری، تلاوت قرآن، نماز، استغفار و مناجات با قاضی الحاجات از یک موقعیت راهبردی ویژه ای برخوردار است؛ موقعیتی بنیادین که امام حسین علیه السلام در شب عاشورا که لشکر عمر سعد خواست حمله را آغاز کند به برادرش ابوالفضل فرمود:

إِزْجِعْ إِلَيْهِمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى عَدْوَةٍ وَتَدْفَعَهُمْ عَنَّا الْعُشَيْيَةَ لَعَلَّنَا نَصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، فَهُوَ يَعْلَمُ أَيُّ قَدُ كُنْتُ أَحَبُّ الصَّلَاةِ لَهُ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ؛ (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ح ۳۹۲، ح ۳۷۹)

۱۹ به طرف آنها برو؛ اگر توانستی آن را تا فردا تأخیر بینداز و حمله آنها را امشب از ما

۱. «بِأَيِّهَا النَّفْسُ الْمُظْمَئِنَةُ إِزْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي».

(فجر ۲۷ - ۳۰)

دفع کن تا این که امشب برای پروردگاران نماز بخوانیم و دعا کنیم و استغفار کنیم؛ زیرا خدا می داند که نماز برای او تلاوت قرآن و دعای زیاد و استغفار را بسیار دوست دارم.

در معنویت عاشورایی، تلاوت کتاب خدا و تبتل از غیر حق، سلوک و سیاست، سجاده و سنگر، دعا و دعوت، نماز و نیایش قرین و رهین هم اند و سلوک معنوی حسینی در یک منظومه به هم پیوسته نه جزیره ای و از هم گسسته، معنادار است. سلوکی که قیام و قعود فردی و اجتماعی، معنویات و اجتماعیات، معنویت و عدالت اجتماعی، عرفان و امر به معروف و نهی از منکر درهم تنیده اند. همان گونه که امام حسین علیه السلام فرمود:

لَا يَتَّبِعِي لِنَفْسٍ مُّؤْمِنَةٍ تَرَى مِنْ يَعْصِي اللَّهَ فَلَا تُنْكِرُ؛ (متقی هندی، ۱۴۲۴: ۳/ ۸۵)
برای مؤمن شایسته نیست که ببیند کسی خدا را معصیت می کند و از آن جلوگیری و نهی نکند.

یا فرمود:

لَا يَحِلُّ لِعَيْنٍ مُّؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ يُعْصِي فَتَطْرَفَ حَتَّى تَغْيِرَهُ؛ (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۵)
بر هیچ چشم مؤمنی روا نیست که ببیند خدا نافرمانی می شود و چشم خود را فروبندد، مگر آن که آن وضع را تغییر دهد.

درباره نیایشگری فعال نه منفعل نیز می فرماید:

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳/ ۲۹۴)
ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد.

همچنین فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا ابْتَهَلَ وَدَعَا كَمَا يَسْتَطِيعُ الْمَسْكِينُ؛ (طبرسی، بی تا)
رسول خدا ﷺ در هنگام ابتهال و دعا مانند بینوایی که غذا می طلبد، دستانش را بالا می برد.

آن حضرت در بیانی بسیار راه گشا در درمان دردها فرموده است:



لکل داء دواء ودواء الذنوب الاستغفار؛ (کلینی، ۱۴۰۱: ۲/۴۳۹، ح ۸)
هر دردی درمانی دارد و درمان درد گناه طلب مغفرت و آمرزش از درگاه الهی
است.

البته استغفار در دو مقام «دفع» (پیشگیری) و «رفع» (درمان) مطرح است و هرانسانی
در سلوک معناگرایانه اش به آموزه استغفار نیاز دارد.

۲-۶. جهادی بودن

جهادی بودن در ابعاد گوناگون و ساحات مختلف، یکی از شروط بنیادین معنویت
عاشورایی در آموزه های حسینی است؛ چنان که در روایتی می خوانیم:

سُئِلَ عَنِ الْجِهَادِ: سُنَّةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ؟ فَقَالَ ﷺ: الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ: فَجِهَادَانِ فَرَضَ
وَجِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ وَجِهَادٌ سُنَّةٌ، فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ
عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَمُجَاهِدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ. وَأَمَّا
الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ فَإِنَّ مُجَاهِدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ لَوْ
تَرَكَوا الْجِهَادَ لَأَنَّهُمْ الْعَذَابُ وَهَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ وَهُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ وَحَدُّهُ أَنْ
يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ. وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ
وَجَاهَدَ فِي إِقَامَتِهَا وَبُلُوغِهَا وَإِحْيَائِهَا فَالْعَمَلُ وَالسَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ لِأَنَّهَا
إِحْيَاءٌ سُنَّةٌ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ
بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا؛ (بحرانی، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

امام حسین علیه السلام در پاسخ به این پرسش که جهاد سنت [پیامبر] است یا فریضه
[الهی]؟ فرمود: جهاد چهارگونه است: دوگونه آن فریضه [الهی] است، وگونه
دیگر، سنتی است که جز به فریضه بدان دست نیازند و یک جهاد نیز (تنها)
سنت است. اما آن دو جهاد که فریضه اند: یکی جهاد آدمی با نفس خویش است
در بازداشتن نفس از نافرمانی های نسبت به خدا که بزرگ ترین جهاد است، و
دیگری پیکار [و جهاد] با کافرانی که هم مرز شمایند که آن نیز فریضه است. اما آن
جهاد که سنتی است که جز به فریضه بدان دست نیازند، جهاد با دشمن است
که بر تمام امت واجب است و اگر آن جهاد را ترک کنند، بر آنها عذاب درآید و این
عذاب تمام امت را دربرگیرد و آن جهاد، بر امام سنت است و تعریفش آن است

که امام با اَمّت بر سر دشمن تازد و با دشمنان جهاد کند. اما جهادی که فقط سنت است، برپا داشتن هر سنت [نبوی] است که انسان برپای دارد و در برپا نگه داشتن و بر آوردن و زنده کردن آن مبارزه کند. پس سعی و عمل در راه آن بهترین اعمال است؛ زیرا زنده داشتن سنت است. پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر کس سنت و قانون نیکی را بنیان گذارد، پاداشش از آن اوست و نیز از ثواب همه آنان که تا روز قیامت بدان عمل می کنند بهره می برد، بی آن که از ثواب خود آنان چیزی کاسته شود.

در جهاد فریضه اول، یعنی جهاد با نفس که اگر با روش و جهاد اخلاقی - یعنی جهاد فضایل در برابر ذایل - با هدف اکتساب ملکات فاضله و اجتناب از ملکات رذیله انجام گیرد، این جهاد همانا جهاد اوسط و اگر با شیوه جهاد عقل و عشق برای نیل به مقام قرب و لقاء الهی و کسب ولایت الهیه تحقق یابد، جهاد اکبر خواهد بود که جهاد با نفس در کلیت و هویت خویش به جهاد اکبر موسوم و موصوف است و دارای مراتب و درجاتی است. این جهاد درونی در واقع کلید جهاد بیرونی یا جهاد با دشمن و طاغوت است که امام حسین علیه السلام در متن حدیث بدان اشاره فرمودند.

در هر حال در سلوک معنوی جهاد با نفس مبناست و نقش زیرساختی دارد و سلوک معنوی منهای جهاد با نفس یعنی سلوک منهای سلوک و به اصطلاح اصولیین، چنین سلوکی تخصصاً و نه تخصیصاً خارج بوده و موضوعیتی ندارد، مگر این که جهاد با نفس روح حاکم بر سلوک قرار گیرد. از سوی دیگر، رابطه و نسبت علمی و عینی جهاد با نفس (دشمن درونی) و جهاد با دشمن بیرونی و سلوک معنوی و اجتماعی در حدیث یاد شده به خوبی هر چه تمام تر تبیین شده است تا سلوک معنوی حسینی و اهل بیتی با سلوک رهبانیت پیشه محض و عزلت گرایانه و منهای مبارزه و جهاد با دشمن و طاغوت بیرونی از هم متمایز شوند.

۳. کارکردهای سلوک معنوی

معنویت عاشورایی ابتدا یافته برآموزه های حسینی دارای کارکردهای فردی -

اجتماعی، روحی و جسمی فراوانی است که به صورت موجز و مختصر به برخی از آنها می‌پردازیم.

۱-۳. گره‌گشایی از کار مردم

یکی از کارکردهای بسیار سرنوشت‌ساز معنویت عاشورایی همانا اصلاح رابطه با مردم در طول اصلاح رابطه با خدا و رابطه با خود است. این رابطه از خوش خلقی، انصاف، مساوات و مواسات با مردم تا یاری دادن آحاد مردم از حیث علمی و عملی و از جهت مادی و معنوی خواهد بود. امام حسین علیه السلام ارجاع نیاز مردم به انسان معنوی را خیری از ناحیه خدا و نعمتی از حق تعالی برمی‌شمارد و می‌فرماید:

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُؤُوا النَّعَمَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۲۰۵)
نیاز مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شماست؛ از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.

بنابراین بر اساس این آموزه سالک معنوی بایسته است با رویی گشاده و کمال شادمانی به سراغ گره‌گشایی از کارفرو بسته مردم رفته و موفقیت در این کار را نعمتی از ساحت حضرت حق تبارک و تعالی بداند و بیابد. در معنویت عاشورایی نه تنها مردم‌گریزی و انزواطلبی از خلق و عزلت‌نشینی همیشگی ممدوح نیست، بلکه ضمن خلوت‌نشینی‌های معنادار و موقتی یا اعتکاف‌های هدفدار، با مردم بودن و در میان مردم بودن و با مشکلات و نارسایی‌ها و ناراستی‌هایشان زندگی کردن و تلاش برای راست کردن و مشکل‌زدایی نمودن از آنان و مهرورزی و حسن سلوک داشتن و مجالست با فقرا و پابرهنگان موضوعیت داشته و در سلوک الی الله نقش راهبردی دارد. امام حسین علیه السلام در خصوص سلوک اجتماعی و راهبرد حل مشکلات مؤمنان و در نتیجه حل مشکلات او در دنیا و آخرت از طرف حق تعالی می‌فرماید:

من نفس کرية مؤمن فرج الله عنه كرب الدنيا والاخرة. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۱۲۱، ح ۴)

یعنی بازتاب و انعکاس گره‌گشایی از مشکلات مؤمن بر طرف شدن مشکلات سالک معنوی در دنیا و آخرت به دست خدای متعال است و این نکته‌ای سترگ در عالم سیرو

سلوک به شمار می‌رود.

۲-۳. صله رحم

یکی دیگر از کارکردهای معنویت عاشورایی که مورد تأکید و تکرار ابا عبد الله الحسین علیه السلام قرار گرفته و اهمیتی فراوان دارد، همانا صله رحم است؛ به گونه‌ای که امام حسین علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۴۰۰، ح ۴۱)

قوی‌ترین کس در صله رحم، کسی است که با خویشاوند بریده از خود پیوند برقرار کند.

یا فرمود:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَيُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ (صدوق، ۱۴۱۶: ۲/۴۸؛

مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۹۱)

کسی که خرسند می‌شود [و دوست دارد] اجلش به تأخیر افتد و رزقش زیاد شود، صله رحم انجام دهد.

انسان معنوی قدرتمند کسی است که توانایی وصل کردن داشته و فصل‌ها را به وصل‌ها بدل سازد.

۳-۳. گناه‌گریزی

از جمله کارکردهای معنویت عاشورایی، گناه‌گریزی است. سالک آگاه و سائر هشیار کوی دوست، نیک می‌داند که عالم محضر خداست و نباید در محضر خدا گناه کند؛ مرگ در کمین اوست و با وجود پدیده‌ای به نام مرگ که عامل انتقال او به عالمی دیگر است، نباید گناه کند؛ چنان‌که مردی آمد خدمت امام حسین علیه السلام و گفت مردی گناه‌کارم و نمی‌توانم از گناه خوداری کنم؛ مرا موعظه کن. امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

إِفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ، فَأَوَّلُ ذَلِكَ: لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ،

وَالثَّانِي: أَخْرِجْ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ، وَالثَّالِثُ: أَطْلُبْ مَوْضِعاً لِيَرَاكَ اللَّهُ

وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ، وَالرَّابِعُ: إِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ لِيُقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعَهُ عَنِ نَفْسِكَ



وَأَذْنِبَ مَا شِئْتَ، وَالْحَامِسُ: إِذَا أَذْلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَأَذْنِبَ مَا شِئْتَ؛ (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ح ۵۵۹)

پنج کار انجام بده، بعد هر چه خواستی گناه کن: ۱. روزی خدا را نخور و هر چه می خواهی گناه کن؛ ۲. از حکومت و سرپرستی خدا خارج شو و هر چه دلت می خواهد انجام ده؛ ۳. جایی را انتخاب کن که خدا تورا نبیند و بعد هر چه می خواهی گناه مرتکب شو؛ ۴. زمانی که عزرائیل خواست روح تورا از بدنت بگیرد او را از خودت دور کن سپس هر چه خواستی انجام بده؛ ۵. وقتی که مالک جهنم خواست تورا وارد آتش کند، وارد نشو، بعد هر گناهی می خواهی انجام ده.

یا نیک سخن فرموده است:

إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَيَأْمُرُ الْعُقُوبَةَ مِنْ ذَنْبِهِ؛ (بحرانی، ۱۳۸۵: ۲۴۰)

مبادا از کسانی باشی که به سبب گناهان بندگان خدا بر سرنوشت آنان بیمناک است، ولی خود را از سزای گناه خویش ایمن می داند.

۳-۴. آرامش روحی

دردنیای جدید و عصر مدرن، آرامش درونی و پایدار یکی از گمشده های انسان است و آدمیان همواره در جست و جوی آن هستند. یکی از کارکردهای معنویت عاشورایی همانا آرامش پایدار درونی است که در برون، آثار فراوانی دارد، تا آن جایی که امام حسین علیه السلام فرمود:

وَجِدْ لَوْحَ تَحْتِ حَائِطِ مَدِينَةٍ مِنَ الْمَدَائِنِ مَكْتُوبٌ فِيهِ: عَجِبْتُ لِمَنْ آتَقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ؟ وَعَجِبْتُ لِمَنْ آتَقَنَ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَحْزَنُ؟ وَعَجِبْتُ لِمَنْ اخْتَبَرَ الدُّنْيَا كَيْفَ يَظْمِنُ إِلَيْهَا؛ (صدوق، ۱۴۱۶: ۲/۴۸)

زیر دیوار شهری از شهرها لوحی پیدا شد که در آن چنین نوشته شده بود: تعجب می کنم برای کسی که به مرگ یقین دارد، چطور شادی می کند؟ و در شگفتم از کسی که سرنوشت را قبول دارد، چگونه اندوهگین می شود؟ و عجب دارم از کسی که دنیا را آزمایش کرده، باز چگونه به آن اطمینان می یابد؟

یا فرمود:

يَا بَنَ آدَمَ! تَفَكَّرْ وَقُلْ آئِينَ مَلُوكُ الدُّنْيَا وَآزِبَائِهَا الَّذِينَ عَمَرُوا وَاحْتَفَرُوا أَنَّهُمْ هَارِهَا وَعَرَسُوا
أَشْجَارَهَا وَمَدَّنُوا مَدَائِنَهَا، فَارْقُوهَا وَهُمْ كَارِهُونَ؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۹)

ای فرزند آدم! اندیشه کن و بگو: کجایند پادشاهان جهان و صاحبان دنیا که آن را
آباد کردند و نهرها کردند و درختان را کاشتند و شهرها را بنا کردند و بعد با
ناخرسندی از آنها جدا شدند؟

در این جا امام فلسفه حیات و نوعی از منطق و جهان بینی ارائه می دهد که بسیار
کاربردی است و معنویت آرامش بخش یکی از ثمراتش به شمار می آید.

۳-۵. آسایش جسمانی

سلوک معنوی حسینی فقط دارای آرامش روحی و دربردارنده درونی آرام و
رضایت بخش نیست، بلکه تفکری را القا کرده و روح و روحیه ای را در درون جان انسان
نهادینه می سازد که آسایش مادی و جسمانی را نیز به ارمغان آورده و کارکردی این جهانی و
مادی نیز دارد؛ آن جا که امام حسین علیه السلام می فرماید:

الْقَنُوعُ رَاحَةُ الْأَبْدَانِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸ / ۱۲۸، ح ۱۱)

قناعت، مایه آسایش تن است.

یا آن حضرت به تندرستی، سلامت و مراقبت جسمانی توصیه کرده و این خود در واقع
یکی از دستورات عملی های سلوک معنوی است و دربردارنده ثمرات معنوی بی شماری
خواهد بود که اکثر اهل سلوک از آن بی خبر و محروم اند. امام حسین علیه السلام در این باره فرمود:

فَبَادِرُوا بِصِحَّةِ الْأَجْسَامِ فِي مُدَّةِ الْأَعْمَارِ؛ (بحرانی، ۱۳۸۵: ۲۳۹)

در مدت عمر، در حفظ سلامت تن بکوشید.

و چه زیبا و عملیاتی درباره دارایی های دنیایی و به کارگیری درست آن می فرماید:

مَالِكٌ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ، فَلَا تُبْقِ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يُبْقِي عَلَيْكَ، وَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ
يَأْكُلَكَ؛ (شهید اول، ۱۳۷۹: ۲۴)

دارایی تو اگر از آن تو نباشد، تو از آن او خواهی بود. پس به آن رحم نکن؛ زیرا او به تو



رحم نمی‌کند و پیش از آن که او تورا بخورد تو آن را بخور!

۶-۳. ظلم‌گریزی

یکی دیگر از کارکردهای معنویت عاشورایی «ظلم‌گریزی» است. در این معنویت، انسان معنوی نه به کسی ظلم می‌کند و نه کسی می‌تواند به او ظلم کند. او ظلم‌گریز است؛ چه ظلم در حق خدا و خود و چه ظلم در حق دیگران. امام حسین علیه السلام در این باره فرموده است:

يَا بَنِي إِيَّاكَ وَظُلْمٌ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ ناصِراً إِلَّا اللهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۳۰۸)
فرزندم! پرهیز از ستم بر کسی که غیر از خدا یاوری در مقابل تو ندارد.

ظالم و منظلم بودن رهن سلوک الی الله است و سالک عاشورایی روح و روحیه ظلم‌گریزی و ظلم‌ستیزی داشته و در مقابل از «مظلوم» دفاع می‌کند تا به تکلیف خویش عمل نماید. در این سلوک با ظلم فردی و اجتماعی مبارزه می‌شود تا مسیر اقامه عدالت فردی و اجتماعی مهیا گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

معارفی که از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در قالب احادیث، خطبه‌ها، نامه‌ها و گفت‌وگوها در اختیار ماست، سرمایه‌ای گران‌سنگ برای سلوک معرفتی - معنوی و تحقیق و تحقق معنویت عاشورایی است. معنویت عاشورایی مبتنی بر آموزه‌های حسینی متکی بر معرفت و محبت و آن‌گاه عبودیت بر مدار شریعت بوده و معنویتی فعال و پویاست نه منفعل و ایستا. معنویت حسینی دارای مبانی، شروط و کارکردهایی است که برخی از آنها عبارتند از: تقوم بر توحید و عبودیت، حب الله و عبدالله و عندالله شدن، از رهگذر فقر انفسی به مقام ولایت الهیه راه یافتن، پالودگی از هر آلودگی، قلب سلیم یافتن، تقوای گریز و ستیز در ابعاد ایجابی و سلبی داشتن، تحصیل رضای خدا، اهل نیایش و روحیه جهادی بودن، خدمت به مردم و گره‌گشایی از کارمؤمنان، صله ارحام، گناه‌گریزی، آرامش درونی و آسایش بیرونی و ظالم و منظلم نبودن.

آموزه‌های معنوی امام حسین علیه السلام پیوند دهنده سلوک فردی و اجتماعی یا معنویات با اجتماعیات و سلوکی بالنده و حماسی است. معنویت عاشورایی مبتنی بر این آموزه‌ها دارای کارکردهای علمی و عملی شگرف و شگفتی است تا پیشرفت بینشی - دانشی، گرایشی - کنشی و منشی - روشی را به صورت توأمان رقم بزند. بالأخره معنویت مبتنیافته بر آموزه‌های امام حسین علیه السلام با عنایت و معطوف به سیره و منطق عملی و متن زندگی امام قابلیت توصیف و تفسیر و آن‌گاه توصیه و تکلیف دارد و به صورت منظومه‌ای جامع و کامل تبیین، تعیین و تعیین یابنده است.



منابع

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب، قم، نشر علامه.
- استرآبادی، سید شرف‌الدین (۱۴۰۹ق)، تأویل الآيات الظاهرة، تحقیق: حسین استادولی، قم، جامعه مدرسین.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۲۸ق)، مقاتل الطالبین (شرح و تحقیق احمد صقر)، قم، دارالزهراء علیها السلام.
- بهجت، محمد تقی (۱۳۹۴ش)، رحمت واسعة، قم، مؤسسه فرهنگی هنری البهجة.
- پژوهشکده باقرالعلوم (۱۳۷۹ش)، موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، قم، نشر مشرقین.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹ش)، مراحل اخلاق (تفسیر موضوعی قرآن مجید)، قم، اسراء.
- حرانی (ابن شعبه)، علی بن شعبه (۱۳۸۵ش)، تحف العقول، نجف، مطبعة الحیدریه.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم، تحقیق مؤسسه آل البيت.
- حسینی تهرانی، محمد حسین (۱۴۲۱ق)، رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولوالالباب، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی.
- خوارزمی، محمد بن احمد (۱۴۲۳ق)، مقتل الحسين علیه السلام، قم، انوار الهدی.
- سبزواری، ملاهادی (بی تا)، شرح الاسماء الحسنی، قم، بصیرتی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۳ق)، نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- شریف قرشی، باقر (بی تا)، حیاة الامام الحسين علیه السلام، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۷۹ش)، الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، قم، انتشارات زائر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: علی اکبر غفاری و سیدهاشم حسینی تهرانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ ششم.
- _____ (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- _____ (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم، جامعه مدرسین.

- _____ (١٣٨٥ق)، *علل الشرايع*، نجف، المكتبة الحيدرية.
- طبرسي، احمد بن علي (١٤٠٣ق)، *الإحتجاج على أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضى.
- طبرسي، حسن بن فضل (بي تا)، *مكارم الاخلاق*، قم، منشورات شريف الرضى.
- طوسى، محمد بن حسن (١٤١٤ق)، *الأمالى*، قم، دارالثقافه.
- فيومى، احمد بن محمد (١٤١٤ق)، *المصباح المنير*، قم، مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠١ق)، *اصول كافى*، تصحيح: على اكبر غفارى، بيروت.
- متقى هندی، علاء الدين على (١٤٢٤ق)، *كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال*، بيروت، دارالكتب العلمية.
- مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار*، بيروت، مؤسسة الوفاء.
- مطهرى، مرتضى (١٣٦٢ش)، *آشنایى با علوم اسلامى*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- مفيد، محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، *الارشاد*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- _____ (١٤٠٣ق)، *الامالى*، قم، منشورات جامعه مدرسین.
- نورى، ميرزا حسين (١٤٠٨ق)، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- موحد ابطحي اصفهانى، سيد محمد باقر (بي تا)، *الصحيفة السجادية الجامعة*، بي جا، بي نا.

